

قطعه نامه سياسي كنگره نهم سازمان اتحاد فدائيان خلق ايران

۱- هدف مرحله اي ما، استقرار يك جمهوري دموكراتيك و لائيك به جاي جمهوري اسلامي است. شرط ايجاد چنين نظامي، احترام به عقیده و مذهب هر شهروند، جدائي كامل دين از دولت، پاسخگوئي به مطالبات اقتصادي و اجتماعي، رفع هرگونه تبعيض بر اساس جنسيت و مليت و مذهب، برابر حقوقي زنان با مردان، به رسميت شناختن موازين حقوق بشر و تابعيت همه قوانين از رأي مردم است.

۲ - با برآمد جنبش آزاديخواهانه و حق طلبانه توده ها در يك سال اخير، اميدها و امكانات تازه اي در جهت تحقق خواست هاي ديرين مردم ايران براي آزادي، استقرار دموكراسي و تأمين عدالت به وجود آمده است. ما در اين جنبش مشاركت داريم و از آن حمايت مي كنيم. ما افراد، شخصيت ها و نيروهاي آزاديخواه، چپ و دموكرات و فعالان ديگر جنبش هاي اجتماعي را به شركت فعال در اين جنبش عمومي، در داخل و خارج کشور، فرا مي خوانيم.

ما خواستار استمرار و گسترش هرچه بيشتر جنبش عمومي مردم هستيم كه آزادي ها، حقوق مدني و سياسي و حق حاكميت مردم خواست مشترك آن است. حضور و مشاركت فعال كارگران ايران، همراه با طرح مطالبات مشخص و مشترك آنان، در اين مقطع، نقش بسزائي در تقويت و توسعه جنبش همگاني دارد. پيوند بين جنبش كارگران و زحمتكشان و ديگر جنبش هاي صنفی و اجتماعي، پيوند بين مبارزه براي نان و مبارزه براي آزادي و دموكراسي را، در عمل، تحقق بخشيده و پايه هاي استواري براي استمرار و رشد جنبش عمومي پديد مي آورد. مبارزات جنبش هاي مليت هاي ساكن ايران براي كسب حقوق خود، كه ضمناً از توان سازمان يابي بالائي هم برخوردارند، در صورت برقراري پيوندهاي نزديك با جنبش همگاني، مي توانند نقش مهمي در كسب آزادي و استقرار دموكراسي در ايران بازي كنند.

ما از حق كارگران، معلمان، پرستاران، كارمندان و ديگر اقشار مردم براي ايجاد سنديكاهها و تشكّل هاي آزاد و مستقل خود، دفاع و براي كمك به شكل گيري آن ها تلاش مي كنيم. ما از حق فعاليت علني و آزادانه تشكّل ها و نهادهاي مستقل موجود در بين دانشجويان، زنان، كارگران، نويسندگان و روزنامه نگاران و مدافعان حقوق بشر دفاع کرده و عليه اعمال سانسور و سرکوب بر آن ها، مبارزه مي كنيم.

ما بر لزوم شكل گيري كانونها، نهادها، در درون جنبش عمومي جاري و در ارتباط با جنبشهاي اجتماعي و مطالباتي تأکيد کرده و آن را براي تقويت و رشد جنبش مردم ضروري مي دانيم.

ما ضمن تأکيد بر روش هاي مسالمت آميز مبارزه، كه از جمله ويژگي هاي مثبت جنبش عمومي مردم نيز بوده است، حق مردم براي استفاده از همه اشكال مبارزه براي دفاع از خود و مقاومت در برابر سرکوبگري هاي جمهوري اسلامي و از جمله حق قيام برضد بيداد و ستم و استبداد را به رسميت مي شناسيم.

گذار از استبداد به دموكراسي مي تواند از طريق گسترش جنبش هاي اجتماعي، اعتصابات، نافرمانی مدني، اعتراضات و تظاهرات توده اي و تمام اشكال ديگر مبارزات مردم، توازن قوا را تغيير داده، رژيم را به زانو در آورده و راه تحول و تحقق مطالبات مردم را هموار سازد.

۳- جنبش چپ در عين تأکيد بر اختلافات خود با نيروهاي ديگر در درون جنبش كنوني، به ويژه مدافعان حفظ نظام كنوني، بايد:

- با حضور فعال خود جنبش آزاديخواهانه را تقويت کند؛
- مواضع مغاير با آزادي، دموكراسي و عدالت اجتماعي در جنبش را مورد نقد قرار دهد؛
- در عين همگامي، گفتمان انتقادي در ميان نيروهاي جنبش را پاس دارد؛
- جدائي دين از دولت، برابر حقوقي همه شهروندان فارغ از جنسيت، مذهب و مليت و قوميت آنان، رعايت بي كم و كاست بيانيه جهاني حقوق بشر، ابطال مفاد مغاير با اين منشور درتمامي قوانين را خواستار شود؛
- گفتمان دموكراتيك را ترويج کند، براي ارائه برنامه اثباتي تلاش کند و صاحب نظران و كارشناسان در عرصه هاي مختلف سياسي، اقتصادي و اجتماعي را، جهت ارائه طرح ها و گفتمان هاي ضروري براي يك تحول دموكراتيك، تشويق نمايد.
- ما با حفظ هويت و دیدگاه مستقل نيروهاي چپ، دموكرات و لائيك، از مبارزه در زمينه هاي مشترك عيني مانند محكوم

کردن سرکوبگری‌ها و افشای تبهکاری‌های جناح حاکم، آزادی همه زندانیان سیاسی، خواست محاکمه و مجازات آمران و عوامل شکنجه‌ها و جنایات، فراخوان به مقاومت و تداوم مبارزه و جنبش مردم، استقبال کرده و متقابلاً هر نوع برخورد انحصارطلبانه در تحمیل یک رنگ و یک دیدگاه و یا رهبری اصلاح طلبان حکومتی را به کل جنبش همگانی رد می‌کنیم. ما مبارزه رهبران اصلاح طلب حکومتی و همفکران آنها علیه مستبدان حاکم و برای پاره‌ای از حقوق و آزادیها را در راستای تقویت جنبش می‌دانیم، ولی آنها را نیروی دموکرات نمی‌شناسیم و از این رو، همکاری و همراهی استراتژیک با آنها، با هدف استقرار دموکراسی در ایران را ناممکن می‌دانیم.

۴- ما خواستار تحولات بنیادین و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران هستیم. از نظر ما نیروی تحول در ایران جنبش‌های سازمان یافته و خودآگاه اقشار و طبقات مختلف اجتماعی است. ما در جهت تحکیم موقعیت این جنبش‌ها، به مثابه تنها ضامن برچیدن بساط استبداد و منتفی شدن هرگونه بازگشت آن و بی‌حقوقی در هر شکل دیگر، تلاش می‌کنیم.

۵- ملت ایران را مجموعه شهروندان کشور فارغ از تبار، مذهب و ملیت، تشکیل می‌دهند که از حقوق برابر برخوردارند و به عنوان شهروند در تعیین سرنوشت آن سهیم اند. ملت ایران، مرجع مشروعیت هر حکومتی است. افراد و آحاد مختلف ملت از آزادی و حقوق برابر برخوردارند و شرایط رشد و شکوفایی آنان از طریق راه حل‌های دموکراتیک که نهایتاً با آراء آن‌ها بیان می‌شوند، تحقق می‌یابد.

ملیت‌ها و اقوام متعددی در کشور ما حضور دارند، اما هم در رژیم گذشته و هم در دوران جمهوری اسلامی زبان‌ها و فرهنگ‌ها و هویت‌های متفاوت از هویت رسمی، همواره مورد تبعیض بوده‌اند. در دوران جمهوری اسلامی تبعیض‌خشن مذهبی هم بر آن‌ها افزوده شده است. رفع همه این تبعیض‌ها، تامین حقوق دموکراتیک ملیت‌های متنوع کشور و ایجاد شرائط لازم برای رشد آزادانه فرهنگ و هویت آن‌ها از الزامات استقرار و تثبیت دموکراسی در ایران است.

خواست ما :

• سپردن اداره امور مناطق مختلف ایران، به منتخبان محلی، از جمله در شکل فدراتیو، و محدود نمودن اختیارات دولت مرکزی به اموری که مربوط به کل کشور می‌شود. استفاده از زبان فارسی به عنوان زبان مشترک مردم ایران و آموزش زبان مادری در مناطق ملی، با توجه به اکثریت جمعیت هر منطقه و تدریس زبان‌های موجود در ایران در دانشگاه‌ها.

• ما از حقوق اقلیت‌های مذهبی و دیگر گروه‌های اجتماعی که بدلیل اعتقاد و یا هر انتخاب متفاوت دیگری در زندگی شخصی مورد پیگرد قرار می‌گیرند، دفاع می‌کنیم.

۶- ما در شرایط کنونی، بخصوص بدنبال صدور قطعنامه 1929 شورای امنیت سازمان ملل متحد، سیاست‌های جمهوری اسلامی در زمینه بحران اتمی و بی‌پاسخ گذاشتن مکرر خواست‌های مراجع بین‌المللی را عامل اصلی تشدید این بحران و جاده صاف کن هرگونه اقدام مخرب، از تحریم اقتصادی تا جنگ، علیه کشورمان دانسته، راه جلوگیری از همه این مصائب را پایان دادن به آن سیاست‌ها می‌دانیم.

ما در عین مخالفت قاطع با هرگونه اقدام نظامی و جنگ و با مقاصد سلطه‌جویانه دولت آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی، مسئول هر پیامدی از این قبیل را در شرایط کنونی، رهبران جمهوری اسلامی می‌دانیم و معتقدیم که اقدامات نیروهای صلح دوست و مدافع منافع مردم در وهله اول باید افشا کردن نقش جمهوری اسلامی در تشدید این بحران و تلاش برای عقب‌نشاندن رژیم از مواضع کنونی آن باشد. در شرایط حاکم، راه حل دیپلماتیک و سیاسی بحران اتمی و جلوگیری از تشدید تحریم و جنگ، مستلزم:

- احترام به مقوله نامه‌ها، پیمان‌ها و موازین بین‌المللی که ایران هم از جمله امضاکنندگان آنها است.

- پایان دادن به سیاست تنش با مجامع بین‌المللی، پذیرفتن تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ادامه مذاکرات با گروه (5+1) و آغاز مذاکره رسمی و علنی با دولت آمریکا بر اساس عرف بین‌المللی.

- پایان دادن به بحران سازی در مناسبات خارجی، عدم پشتیبانی از جریان‌های مذهبی افراطی و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و ایجاد رابطه با تمامی کشورهای جهان برپایه منافع متقابل.

- دفاع از برقراری صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه براساس قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد تشکیل دو دولت اسرائیل و فلسطین، به رسمیت شناختن حق موجودیت اسرائیل و مخالفت با اشغالگری‌های آن، پشتیبانی از تشکیل دولت مستقل فلسطین و مشارکت فعال در کوشش جمعی برای خاورمیانه عاری از تسلیحات اتمی است.

۷ - ما از فشار سياسي به جمهوري اسلامي براي توقف سرکوبگري ها و رعايت حقوق و آزادي هاي مردم از طريق مجامع بين المللي، تحريم تسليحاتي آن و همچنين از تحريم سپاه پاسداران رژيم استقبال مي کنيم و مخالف هرگونه مداخله نظامي يا تحريم اقتصادي کشورمان هستيم.

ما معتقديم دموکراسي در ايران نه از طريق ورود تفنگداران قدرت هاي خارجي، تنها با اراده و عزم ملت ايران مستقر خواهد شد. ما خواستار پشتيباني نهادها و جنبش هاي مترقي بين المللي از جنبش جاري و از مبارزات مردم ايران در راه دموکراسي بوده و هيچ قدرتي را جايگزين اراده ملت ايران نمي دانيم.

ما مخالف هرگونه اقدامي براي آلترناتيو سازي از سوي دولت هاي خارجي هستيم. ما با احترام به حق تعيين سرنوشت همه ملل جهان، تعيين تکليف با حکومت اسلامي را حق منحصر به فرد مردم ايران مي دانيم.

۸ - از نظر ما، سياست هاي رژيم موجب تشديد بحران ساختاري اقتصاد ايران شده که تاثيرات فزاينده مجازات هاي بين المللي و بحران جاري سرمايه داري جهاني نيز بر دامنه آن افزوده است. عوارض بلاواسطه اين بحران، چون بيکاري و گراني، گريبانگير اکثريت جامعه ما و خصوصاً مزد و حقوق بگيران و زحمتکشان است. رژيم حاکم براي مقابله با بحران اقتصادي و در واقع انتقال بار آن بر دوش مردم، در صدد اجراي طرح «هدفمند کردن يارانه ها» است که ماحصل آن چيزي جز فقر و فلاکت بيشتر براي توده ها نيست. تنها مبارزه متحد و متشکل صنفی، اقتصادي و اجتماعي اقشار گوناگون مردم است که مي تواند رژيم را در اين زمينه وادار به عقب نشيني کرده و در عين حال، موجب تقويت و گسترش جنبش عمومي شود.

۹ - ادامه حمايت از مبارزات مردم، در خارج از کشور کاملاً ضروري است، به ويژه آن که با تشديد سرکوبگري ها در داخل و رکود نسبي جنبش اعتراضی، اميد و انتظار نسبت به کمک ها و حمايت هاي ايرانيان آزاديخواه و دموکرات خارج کشور هم افزونتر مي شود. تلاشهاي فعالان سياسي، اجتماعي و فرهنگي در خارج براي بازتاب تلاشها و مبارزات مردم در ايران و جلب پشتيباني بين المللي و منزوي کردن هرچه بيشتر حکومت اسلامي از اهميت بسياري برخوردار است. گسترش رابطه با بنيادهاي مترقي، احزاب مترقي و سازمان هاي حقوق بشري و بويژه سندیکاها، سازمان هاي زنان، دانشجويان و ... به کمک ايرانيان مقيم خارج از کشور امکان پذير است.

۱۰ - در حال حاضر جنبش همگاني فاقد رهبري مستقل و متمرکز است و نيروهاي اپوزيسيون چپ، دموکرات و ترقيخواه هم در پراکندگي به سر مي برند. ضروري است که اين نيروها که براي آزادي، جدائي دين از دولت، استقرار دموکراسي، حفظ استقلال و صلح مبارزه مي کنند، تلاشهاي خود را براي سامان دادن به يک ائتلاف وسيع جهت تحقق اين اهداف دوچندان کنند. به نظر ما، همکاري و اتحاد همه نيروها، شخصيتها و جرياناتي که در راه استقرار يک نظام دموکراتيک و لائیک مبتني بر اراده مردم، به جاي جمهوري اسلامي، تلاش و پيکار مي کنند، ضرورتی تاريخي و انکارناپذير است. براي پاسخگوئي به اين ضرورت، ما به سهم خود دست همه اين نيروها را به گرمي مي فشاريم.

موضوعات مورد بحث

۱ - در رابطه با جنبش اعتراضی

حرکتی که در پي اعتراض به جعل آرا و تقلب انتخاباتي جناح غالب حکومتي در 22 خرداد آغاز و بسرعت به جنبش گسترده همگاني در تهران و برخي ديگر از شهرها تبديل گرديد، اساساً از نارضايتي و نفرت مردم نسبت به رژيم حاکم بر مي خيزد. حرکتی اعتراضی مردم طی سال گذشته، عمدتاً جنبشي خودجوش و خودانگيخته بوده است. جنبش همگاني مردم فاقد رهبري متمرکز و هدايت از بالاست و اکثر به صورت خود گردان عمل مي کند.

تکثر و تنوع وسيع اقشار و گرايش هاي شرکت کنند، از ويژگي هاي اصلي اين جنبش است. در جنبش عمومي آزاديخواهانه و حق طلبانه جاري، افراد و گروه ها و اقشار گوناگوني از مردم مشارکت دارند. نقش و سهم زنان، جوانان و دانشجويان، در اين ميان، بسيار مهم و چشمگير بوده است. در ميان اقشار و طبقات اجتماعي هم، تا کنون اقشار متوسط مدرن شهري نقش برجسته اي در اين جنبش داشته است.

تنوع گرايش ها و مطالبات نيز در اين جنبش کاملاً نمايان است. بخشي از اين جنبش که وزن بالايي دارد، خواستار نفي کامل استبداد مذهبي حاکم و استقرار نظامي دموکراتيک و لائیک است. بخشي ديگر از آن در پي انجام اصلاحاتي در چارچوب جمهوري اسلامي است. خواست آزادي ها، حقوق مدني و سياسي و حق حاکميت مردم فصل مشترک خواست هاي اکثر افراد و گرايش هاي حاضر در جنبش همگاني است.

روند جنبش همگانی در یک سال گذشته با فراز و نشیب هایی همراه بوده است. بعد از گسترش و رشد سریع این جنبش تا مقطع تظاهرات بزرگ روز عاشورا (6 دی)، در ماه های اخیر رکودی نسبی بر جنبش عارض شده است. ولی این به معنی توقف جنبش نیست. حرکت های اعتراضی به مناسبت های گوناگون در برخی شهرها و مناطق از جمله در کردستان، بیانگر تداوم این جنبش است. همان طور که زمینه و عوامل عمده بروز و برآمد آن نیز همچنان برجاست.

ضمن توافق روی ارزیابی فوق از جنبش اعتراضی، در برخورد با عنوان «جنبش سبز»، دو نظر متفاوت وجود دارد :

الف - جنبش اعتراضی اخیر که به عنوان جنبش سبز شناخته می شود، یک جنبش گسترده از نیروهای مخالف استبداد در کشور است. این جنبش نتیجه و ادامه جنبش های پیش از خود، در دوران سی ساله حیات جمهوری اسلامی است؛ بازتاب مقابله میان جامعه مدنی و قدرت دولتی بر سر حقوق شهروندی، مدنی، سیاسی و اجتماعی است. پیش درآمد آن، جنبش مطالبه محوری و حضور جنبش های اجتماعی در صحنه جامعه، به خصوص در دو دهه اخیر است.

ب - در برخورد به نقش و موقعیت اصلاح طلبان حکومتی و نیروهای «ملی مذهبی» همراه آن ها و یا آن بخش از جنبش اعتراضی که «جنبش سبز» نامیده می شود، ما ضمن تاکید بر حداکثر تلاش برای حفظ نیروها و گرایش های گوناگون درون جنبش، دنباله روی از اصلاح طلبان حکومتی را موجب انحراف و شکست این جنبش می دانیم و بر لزوم شکل گیری کانون ها، نهادها و ائتلاف های مستقل از حکومت و همه جناح های آن، در درون جنبش عمومی جاری و در ارتباط با جنبش های اجتماعی و صنفی تاکید می کنیم.

۲ - در رابطه با شعارها

الف - اعمال حق حاکمیت ملت و زمینی و پاسخو کردن قدرت به شهروندان، هدف مقدم و آماج ملی ماست. بسیج همه نیروها و جنبش های مدنی برای تغییر وضعیت کنونی سرلوحه کار ماست. شرط موفقیت گذار به دموکراسی، حضور همه نیروهای ذینفع در آن است. آماج ملی با بسیج فراگیر ملی به دست خواهد آمد.

انتخابات آزاد به عنوان یک خواست مشروع و ملی در راس برنامه عمل ما قرار دارد. مخاطب این شعار عقلانیت همه آحاد ملت، دعوت به پذیرش قضاوت رای مردم در تعیین سرنوشت جامعه است. لازمه برگزاری انتخابات آزاد تامین پیش شرط های آن، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و رسانه ها، آزادی عقیده و بیان و آزادی فعالیت احزاب مخالف نظام موجود و ابطال تمامی قوانین تبعیض آمیز در این زمینه است.

ب- از نظر ما، برای تحقق خواسته های مشترک مردم در این جنبش، که آزادیها و حقوق دموکراتیک در سر لوحه آنهاست، شعار جدائی دین از دولت از اولویت و اهمیت بالائی برخوردار است که تأمین آن، طبیعتاً تغییر در قانون اساسی موجود را نیز ضروری می سازد و بدون تأمین آن نیز بسیاری از آزادیها و حقوق مورد مطالبه توده ها بی پاسخ می ماند. همچنین منع و کنارگذاشتن پاسداران و نظامیان از دخالت در امور سیاسی، فرهنگی، قضائی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله خواسته های است که در جهت تداوم جنبش حائز اهمیت بسیار است. خواست انتخابات آزاد و تأمین شرایط ضروری آن؛ اگر چه در چارچوب نظام حاکم عملاً امکان تحقق ندارد، اما با توجه به تجربه عینی مردم در جنبش اعتراضی بعد از 22 خرداد در کسب آگاهی و شناخت واقعی نسبت به واقعیت «انتخابات» در این رژیم و اهمیت انتخابات آزاد در ابراز و اعمال اراده شهروندان، آن را به عنوان یکی از شعارهای مشترک و مهم جنبش مردم مطرح می سازد.

ج- در عصر جهانی شدن و شرایط عینی و ذهنی جهان کنونی، «انتخابات آزاد» می تواند یکی از راه های گذار باشد. از این روی پیشنهاد من برای شعارهای مرحله کنونی چنین است:

- انتخابات آزاد با حق کاندیدا شدن همه ایرانیان و براساس معیارهای شناخته شده جهانی.

- به فراندوم گذاشتن «جمهوری اسلامی».

مرداد ماه ۱۳۸۹

اوت ۲۰۱۰

